



Critical Analysis of Muhammad Asad's English Translation of the Qur'an

Hesam Ghorbani¹ | Mahmoud Vaezi²

1. MA, Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: hesamghorbani766@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: mvaezi@ut.ac.ir

Abstract

“The Message of the Quran” by Muhammad Asad is a complete translation of all the Suras of the Quran in accordance with the Mushaf order. An important issue related to this translation is its status in terms of textual fidelity. Using examples of Asad's performance in translating verses and fitting them to Newmark's translation model, this article attempts to answer this question convincingly. It concludes that the translator attempted to find appropriate equivalents for religious terms in his translation, and was largely successful. In cases where he could not find an equivalent, explanations were added in the margins. In discussing verbal commonalities, he generally considered the context of the word, although in some cases he did not. He also did not follow the same pattern in translating metaphors, but used different methods.

Keywords: The Message of the Qur'an, English Translation of the Qur'an, Mohammad Asad, Translation Problems, Finding Equivalents.

Cite this article: Ghorbani, H., & Vaezi, M. (2024). Critical Analysis of Muhammad Asad's English Translation of the Qur'an. *Quranic Researches and Tradition*, 56 (2), 259-279. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.355325.670147>



Article Type: Research Paper

Received: 19-Feb-2023

Received in revised form: 16-May-2023

Accepted: 14-Jun-2023

Published online: 18-Mar-2024



تحلیل انتقادی ترجمه انگلیسی قرآن محمد اسد

حسام قربانی^۱ محمود واعظی^۲

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hesamghorbani766@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mvaezi@ut.ac.ir

چکیده

ترجمه پیام قرآن اثر محمد اسد، ترجمه‌ای کامل از تمام سوره‌های قرآن و به ترتیب مصحف است. پرسش مهم قابل طرح درباره این ترجمه این است که ترجمه پیام قرآن به لحاظ میزان وفاداری به متن چه وضعیتی دارد. نوشته حاضر کوشیده است با روش توصیفی-تحلیلی و بررسی نمونه‌هایی از عملکرد محمد اسد در ترجمه آیات و تطبیق آن‌ها بر الگوی ترجمه نیومارک، به پاسخی قانع‌کننده در این راستا دست یابد. نتیجه آنکه مترجم همواره در ترجمه خود سعی بر یافتن معادل مناسب برای اصطلاحات دینی داشته و تا حد زیادی در این امر موفق بوده و در مواردی که از یافتن معادل عاجز مانده است، توضیحاتی را در حاشیه ارائه می‌دهد. در بحث از مشترک لفظی، عموماً سیاق کلام را در نظر دارد، اما در برخی موارد از سیاق غافل شده است. همچنین، برای ترجمه استعاره، عملکرد یکسانی نداشته و از شیوه‌های گوناگونی بهره برده است.

کلیدواژه‌ها: پیام قرآن، ترجمه انگلیسی قرآن، محمد اسد، مشکلات ترجمه، معادل‌یابی.

استناد: قربانی، حسام، و واعظی، محمود (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی ترجمه انگلیسی قرآن محمد اسد. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۶ (۲)، ۲۵۹-۲۷۹.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

© نویسندگان

بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶ DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.355325.670147>

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸



مقدمه

قرآن کریم، معجزه‌ راستین آخرین فرستاده الهی و نیز آخرین کتاب آسمانی جاودان است که برای هدایت بشر در جمیع عصرها و نسل‌ها فرود آمده است. این کتاب، همه افراد بشر را در هر مرتبه‌ای از دانش و کمال، مخاطب خود قرار داده است که می‌توانند با تمسک به معارف والای آن و در پرتو آموزه‌های ناب آن، راه سیر و سلوک را به سوی مقصد و مقصود هستی بیمایند و روح خویش را با نور آیات آن جلا دهند. بهره‌مندی از آموزه‌ها و معارف ناب قرآن کریم جز از رهگذر فهم، درک و شناخت آن میسر نیست. بر همین اساس، همواره در طول تاریخ محققان و عالمانی برای دستیابی به قطره‌ای از اقیانوس ژرف و عمیق قرآن کریم به پژوهش و تحقیق پیرامون آن پرداخته‌اند و از علوم و فنونی بهره جسته‌اند. از جمله این فنون، فن ترجمه است که سابقه‌ای دیرینه دارد و از همان صدر اسلام، هم‌زمان با گرایش غیرعرب‌زبانان به اسلام مطرح شد (رامیار، ۱۳۸۴ ش، ۶۵۳).

ترجمه قرآن برای غیر عرب‌زبانانی که در پی فهم پیام قرآن هستند، اما با زبان و فرهنگ عرب آشنایی ندارند، امری ضروری به نظر می‌رسد، چرا که پیام و معارف وحیانی قرآن کریم اختصاص به گویشوران عرب ندارند و این کتاب، مایه هدایت برای همه جهانیان است. البته این مطلب بدین معنا نیست که عرب‌زبانان صرفاً آشنایی با زبان عربی قرآن را می‌فهمند و نیازی به تلاش بیشتر برای فهم آن ندارند، بلکه زبان و فرهنگ عرب تنها به مثابه بخشی از لوازم فهم قرآن کریم است. لذا لازم است که غیر عرب‌زبانان با رجوع به ترجمه قرآن، به فهم هر چند نسبی از معارف بی‌پایان این کتاب عظیم دست یابند.

بدون شک، هیچ ترجمه‌ای را - علی‌رغم دقت و تلاش‌های مترجم - نمی‌توان جانشین و معادل قرآن کریم دانست. به بیان دیگر، ترجمه دقیق قرآن کریم با در نظر داشتن همه ابعاد، امری دست نیافتنی است، زیرا کلام بشری نمی‌تواند برگردان و جانشین دقیق کلام الهی باشد. علاوه بر این، اعجاز، فصاحت و بلاغت ممتاز قرآن کریم و ویژگی‌های خاص زبان عربی، چالش ظرایف لفظی، صرفی، بلاغی و نحوی را پیش‌روی مترجمان می‌نهد.

از جمله ترجمه‌های قرآن کریم به زبان‌های دیگر می‌توان به ترجمه انگلیسی قرآن کریم با عنوان پیام قرآن^۱ اثر محمد اسد اشاره نمود. آنچه در این نوشتار مورد کاوش قرار می‌گیرد، تلاش برای دستیابی به پاسخ این پرسش است که ترجمه پیام قرآن به لحاظ میزان وفاداری به متن اصلی چه وضعیتی دارد. پژوهش حاضر، برای توصیف و ارزیابی وضعیت وفاداری به متن ترجمه انگلیسی پیام قرآن بر روش توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتوای قیاسی تکیه دارد. در همین راستا، با بهره‌گیری از الگوی نقد ترجمه نیومارک به بررسی و تحلیل نمونه‌هایی از ترجمه آیات قرآن کریم توسط محمد اسد خواهیم پرداخت.

1. *The Message of the Qur'an*.

پیشینه پژوهش

در رابطه با پیشینه پژوهش گفتنی است، محمد داود نسیمی در رساله دکتری خود ذیل عنوان «بررسی تطبیقی موضوعی برخی از ترجمه‌های قرآن کریم»^۲، به بررسی و مقایسه چهار ترجمه قرآن کریم، از جمله ترجمه پیام قرآن پرداخته است. همچنین، مظفر اقبال در مقاله‌ای با عنوان «عبدالله یوسف علی و محمد اسد؛ دو رویکرد به ترجمه انگلیسی قرآن»^۳ به بررسی تطبیقی برخی جنبه‌ها از دو ترجمه انگلیسی قرآن کریم؛ یعنی معنای قرآن کریم از عبدالله یوسف علی و پیام قرآن از محمد اسد پرداخته است. البته لازم به ذکر است، این موضوع به گونه‌ای که نوشتار حاضر به آن می‌پردازد، پیش از این، مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

۱. مبنای ارزیابی ترجمه

در بحث از ارزیابی کیفیت ترجمه، نظریه‌های متعددی وجود دارد؛ از جمله الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاؤس^۴ (۱۹۷۷)، کتفورد^۵ (۱۹۶۵)، رایس^۶ (۱۹۷۱)، کولر^۷ (۱۹۷۹)، گارسس^۸ (۱۹۹۴) و نیومارک^۹ (۱۹۸۸). روش‌های نقد و ارزیابی را می‌توان در دو دسته کلی جای داد: روش‌های تطبیقی مبتنی بر هم‌ارزی؛ و روش‌های غیر هم‌ارزی. روش‌های تطبیقی مبتنی بر هم‌ارزی، نظر به متن اصلی دارند و با مقابله دو متن اصلی و ترجمه شده، در پی آنند که آیا مترجم توانسته متنی پدید آورد که در سطحی با متن اصلی هم‌ارز باشد یا نه (خزاعی فرید، ۱۳۹۴ ش، ۸۰). در نقدهای مبتنی بر روش هم‌ارزی، ترجمه، امری صرفاً زبانی به شمار می‌رود و اساس دآوری، میزان وفاداری مترجم به متن اصلی است (همان).

یکی از الگوهای ارائه شده برای نقد ترجمه، الگوی پیتیر نیومارک است. بر اساس این الگو که می‌توان آن را بر پایه روش هم‌ارزی دانست، نقد ترجمه در سه محور صورت می‌گیرد: غرض و هدف متن اصلی؛ هدف مترجم؛ و مقایسه ترجمه با متن اصلی (همان، ۱۸۶-۱۸۸). محور سوم؛ یعنی مقایسه ترجمه با متن اصلی، به عنوان مهمترین محور نقد ترجمه (همان، ۱۸۸)، موارد متعددی از جمله نقد هدف، نقد عنوان، نقد واژگان، نقد ساختارها، نقد استعارات و نقد ابهامات متن را شامل

2. Nassimi, Daoud Mohammad, "A Thematic Comparative Review of Some English Translations of the Qur'an", University of Birmingham, 2008.

3. "Abdullah Yusuf Ali & Muhammad Asad, two approaches to the English translation of the Qur'an."

4. Juliane House.

5. J. C. Catford.

6. Katharina Reiss.

7. Werner Koller.

8. Carmen Garcés.

9. Peter Newmark.

می‌شود (همان، ۱۸۷). بر اساس دسته‌بندی نیومارک، در این پژوهش، به نمونه‌هایی از نقد واژگان، نقد ابهامات و نقد استعارات خواهیم پرداخت،

۲. نگاهی به شخصیت مترجم

لئوپولد وایس،^{۱۰} روزنامه‌نگار، نویسنده، نظریه‌پرداز سیاسی و دیپلمات در سال ۱۹۰۰ در شهر لویو^{۱۱} به دنیا آمد. خاندان او از ربّی‌ها بودند و او کودکی خود را به آموختن زبان‌های عبری، آرامی و مطالعه عهد عتیق و تفاسیر آن گذراند. او در سن ۲۰ سالگی برای تحصیل در رشته تاریخ هنر و فلسفه به دانشگاه «وینا» رفت. در سال ۱۹۲۲ اتریش را ترک کرد تا به عنوان خبرنگار ویژه برخی از روزنامه‌های برجسته قاره اروپا، به آفریقا و آسیا سفر کند (Asad, n.d, 9). لئوپولد در سن ۲۶ سالگی یعنی در سال ۱۹۲۶ به اروپا بازگشت (همان، ۱۱) و در همان سال در برلین اسلام آورد (Asad, 1982, 308-311) و نام محمد اسد را برای خود برگزید.

محمد اسد برای به جا آوردن حج به عربستان رفت و قریب به ۶ سال در آنجا اقامت گزید. طی سال‌های اقامت در عربستان، درباره تاریخ صدر اسلام مطالعه کرد و حتی در میان بادیه‌نشینان زندگی کرد (Asad, n.d, 11). در سال ۱۹۵۵ کتاب *The road to Makkah* (= راه مکه) را منتشر کرد و در سال ۱۹۶۴ مجلد اول از ترجمه قرآن او، از سوره فاتحه تا سوره توبه با عنوان پیام قرآن از سوی اتحادیه جهانی مسلمانان، در مکه منتشر شد. بیست و پنج سال بعد از آغاز ترجمه‌اش، ترجمه کامل با عنوان پیام قرآن از سوی شرکت انتشاراتی خود اسد، دارالاندلس، در جبل الطارق به چاپ رسید. ترجمه‌ای که به عقیده مترجم، نتیجه یک عمر مطالعه و سال‌های طولانی زندگی در عربستان است و این تلاشی - شاید اولین تلاش - برای ترجمه‌ای کاملاً اصطلاحی و توضیحی از پیام قرآن به یک زبان اروپایی است (Asad, 1980, 16).

۳. ترجمه انگلیسی پیام قرآن

ترجمه محمد اسد با نام *The Message of the Qur'an* (= پیام قرآن)، ترجمه‌ای کامل از تمام سوره‌های قرآن و به ترتیب مصحف است. این ترجمه در ۱۳۲۶ صفحه شامل مقدمه، ۵۳۷۱ حاشیه^{۱۲} و چهار پیوست در مورد نمادپردازی و تمثیل در قرآن،^{۱۳} مقطعات، اصطلاح و مفهوم جن^{۱۴} و سفر شبانه

¹⁰. Leopold Weiss.

¹¹. شهر Lviv به عنوان بخشی از خاک کشورهای مختلفی همچون لهستان، آلمان و اتریش بوده است و اکنون در کشور اوکراین قرار دارد (Lviv).

¹². Annotation.

¹³. Symbolism and Allegory in The Qur'an.

¹⁴. On the Term and Concept of Jinn.

(إسراء)^{۱۵} است. او در ترجمه خود مکرر از تفاسیری همچون طبری، زمخشری، رازی و رشید رضا نام می‌برد.

در ابتدای هر سوره توضیحاتی در مورد آن سوره، شامل مکی یا مدنی بودن، اسم سوره و اینکه اسم سوره از کجا گرفته شده و همچنین موضوع کلی سوره، ارائه شده است که به فهم بهتر قرآن برای مخاطب غیر عرب‌زبان کمک می‌کند. او در مورد مکی یا مدنی بودن به نظرات مفسران اشاره می‌کند و در نهایت یکی را می‌پذیرد. برای نمونه، محمد اسد در مورد سوره انسان بیان می‌کند نظرات مفسران در مورد مکی یا مدنی بودن این سوره متفاوت است، بسیاری از منابع معتبر نسل دوم (تابعین) از جمله: مجاهد، قتاده، حسن بصری و عکرمه - همه به نقل از بغوی - معتقدند این سوره در مدینه نازل شده است (Asad, 1980, 1239). اما چنانچه در مورد سوره‌هایی که در مکی یا مدنی بودن آن‌ها اختلاف وجود دارد، نتواند یکی را برگزیند با عبارت Period Uncertain (= دوره نامشخص) آن‌را بیان می‌کند (همان، ۱۱۱۹).

وی همچنین ترتیب نزول سوره‌ها را به دو شیوه ارائه می‌کند:

۱. سال نزول سوره را بیان می‌کند. برای نمونه، در مورد زمان نزول سوره مجادله می‌گوید: «زمان نزول ممکن است در ابتدای سال پنجم هجری یا احتمالاً مقارن با آخر سال چهارم هجری باشد» (همان، ۱۱۴۴).

۲. شماره سوره را به ترتیب نزول بیان می‌کند. برای نمونه، در مورد سوره قلم چنین می‌گوید: «در ترتیب نزول، این سوره به احتمال زیاد مرتبت سوم را دارد». در ادامه به برخی منابع معتبر و موثق از جمله سیوطی اشاره می‌کند که بنا بر دیدگاه آن‌ها، این سوره پس از پنج آیه نخست سوره علق نازل گردید. اگر چه، با برخی از احادیث معتبر متعارض است؛ احادیثی که طبق آن‌ها، بیشتر سوره مدثر در ترتیب نزول به عنوان سوره دوم نازل گردید. محمد اسد در ادامه می‌افزاید که در هر صورت، بدون شک، سوره قلم یکی از قدیمی‌ترین قسمت‌های قرآن است (همان، ۱۱۹۵). او آخرین آیه نازل شده را آیه ۲۸۱ سوره بقره^{۱۶} می‌داند و معتقد است این آیه، اندکی قبل از رحلت پیامبر (ص) بر ایشان نازل شد (همان، ۱۱).

با جمع‌بندی اظهارات محمد اسد در بحث از زمان و ترتیب نزول سوره‌ها، می‌توان به این نتیجه رسید که وی دیدگاه مستقلی در این باره دارد و با دیدگاه‌های مشهور در ترتیب نزول، دیدگاه‌هایی چون

¹⁵. The Night Journey.

¹⁶. وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (البقره/۲۸۱).

دیدگاه ابن عباس (د. ۶۸ق) و نولدکه^{۱۷} (د. ۱۹۳۰) متفاوت است.^{۱۸} گرچه در مواردی با آنان اتفاق نظر دارد.^{۱۹}

محمد اسد در توضیحات آغازین سوره‌ها، چنانچه سوره‌ای چند اسم داشته باشد به آن اشاره می‌کند؛ مثلاً در مورد سوره حمد^{۲۰} ذکر می‌کند که این سوره همچنین؛ فاتحة الكتاب،^{۲۱} ام الكتاب،^{۲۲} اساس القرآن^{۲۳} و به نام‌های دیگر نامیده می‌شود. او می‌افزاید در جای دیگری از قرآن سبع المثانی^{۲۴} آمده است و علت این نامگذاری را تکرار شدن در نمازهای روزانه می‌داند. علاوه بر این، به نقل از بخاری به این نکته اشاره می‌کند که اسم ام‌الکتاب توسط پیامبر (ص) به قرآن داده شده است (همان، ۲۲).

۴. امتیازات ترجمه

هر زبان، اسلوب و ویژگی‌های ساختاری خاصی همچون تشبیه، استعاره، کنایه، تمثیل و... داراست که با زبان دیگر تفاوت‌هایی دارد. مترجم باید بکوشد که مفهوم دقیق متن را از زبان مبدأ به زبان مقصد انتقال دهد. گرچه ممکن است با محدودیت‌هایی از سوی زبان مقصد مواجه شود. یکی از معیارهای ارزش‌گذاری و اعتبارسنجی ترجمه‌ها، میزان وفاداری به متن است که خود از مباحث گوناگونی تشکیل می‌شود (نقیسی، ۱۳۹۸ش، ۱۰۹).^{۲۵}

در رابطه با ترجمه وفادار، به عنوان دقیق‌ترین روش ترجمه قرآن، گفتنی است که این روش به طور کامل به منظور و مقصود نویسنده متن زبان مبدأ و تحقق متنی او وفادار است (Newmark, 1988, 46). انتقال دقیق محتوا و پیام، ساختارهای ادبی و بلاغی و نکات ظریف متن مبدأ به ساختارهای معیار و طبیعی متن و زبان مقصد هدف اصلی از به کارگیری این روش در ترجمه به شمار می‌رود (جواهری، ۱۳۸۴ش، ۱۴۱).

17. Theodor Nöldeke.

^{۱۸}. ترتیب نزول سوره‌ها بر مبنای ترتیب روایی و همچنین ترتیب پیشنهادی خاورشناسان در کتاب تاریخ‌گذاری قرآن وارد شده است (اسکندرلو، ۱۳۸۵ش، ۲۸۱-۲۹۵).

^{۱۹}. برای اطلاعات بیشتر درباره مسئله ترتیب نزول قرآن و تاریخ‌گذاری قرآن، رجوع کنید به: الإلتقان اثر سیوطی؛ تاریخ قرآن اثر محمود رامیار؛ التمهید فی علوم القرآن اثر محمد هادی معرفت؛ کتاب درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن اثر جعفر نکونام (۱۳۸۰ش)؛ کتاب مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن اثر محمدجواد اسکندرلو (۱۳۸۵ش)؛ کتاب *Introduction au Coran* اثر رژی بلاشر (Régis, 1947)؛ مقاله *Blachère, 1947*؛ مقاله *"Le problème de la chronologie du Coran"* اثر گابریل سعید رینولدز (Gabriel Said Reynolds, 2011) و مقاله بهنام صادقی (۲۰۱۱) با عنوان *"The Chronology of the Qur'an: A Stylometric Research Program"*.

^{۲۰}. The Surah of Praise.

^{۲۱}. The Opening of the Divine Writ.

^{۲۲}. The Essence of the Divine Writ.

^{۲۳}. The Foundation of the Qur'an.

^{۲۴}. The Seven Oft-Repeated [Verses].

^{۲۵}. علی الصغیر در المستشرقون والدراسات القرآنیة این موارد را در سه سطح کلی «دلالت الفاظ»، «تعبیر و ترکیبات» و «سباق» بررسی کرده است (صغیر، ۱۴۲۰ق، ۱۲۷).

مباحث این بخش با تکیه بر الگوی نقد ترجمه نیومارک در حوزه واژگان بیان شده و در ادامه برخی از مؤلفه‌های ارزیابی میزان وفاداری به متن از جمله نقد واژگان، نقد ابهامات و نقد استعارات را در ترجمه پیام قرآن بررسی خواهیم کرد.

۴-۱. واژه‌گزینی برای اصطلاحات قرآنی

انتقال تمامی مفاهیم عربی که در قرآن آمده است به زبانی دیگر و در قالب ترجمه، تقریباً امری نشدنی است. یکی از چالش‌ها و دشواری‌های امر ترجمه، یافتن معادل مناسب برای اصطلاحات قرآنی است. این چالش آنجا پررنگ‌تر می‌شود که قرآن متنی مقدس است و بنا بر تصریح خود قرآن، الفاظش و حیاتی است. مترجمان برای ترجمه اصطلاحات راه‌های مختلفی را در پیش گرفته‌اند. برخی مترجمان به کمک نویسه‌گردانی سعی در انتقال معانی اصطلاحات قرآنی داشته‌اند، اما این شیوه برای کسانی که آشنایی با اسلام و در نتیجه مفاهیم اسلامی و قرآنی ندارند مشکلاتی را ایجاد می‌کند. در مقابل، عده‌ای از مترجمان برای اینکه بتوانند همه معنای اصطلاحات را به خوبی منتقل کنند، سعی بر یافتن معادل دارند. چه بسا، علاوه بر معادل‌یابی، توضیحاتی را برای روشن‌تر شدن و درک بهتر مطرح کنند. نیومارک در الگوی ترجمه خود به دسته‌بندی عناصر فرهنگی پرداخته و آن‌ها را در پنج دسته جای داده است (Newmark, 1988, 95). یکی از این دسته‌ها به «نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریانات، مفاهیم» اختصاص دارد که نیومارک برخی موارد فرهنگی چون سیاسی و اداری، مذهبی و هنری را ذیل آن جای می‌دهد (Newmark, 1988, 95). همچنین، نیومارک برای ترجمه عناصر فرهنگی چندین شیوه و راهکار ترجمه‌ای ارائه می‌دهد که از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی مانند ترجمه تحت‌اللفظی، انتقال، بومی کردن، معادل فرهنگی، معادل کارکردی، معادل توصیفی، جایگزینی، ترادف و گرت‌برداری اشاره کرد (همان، ۸۱-۹۳). در ادامه، شیوه محمد اسد در ترجمه برخی از اصطلاحات را بر الگوی نیومارک تطبیق خواهیم داد.

۴-۱-۱. جهان‌شناسی^{۲۶}

در این بخش به اصطلاحات خاص دینی در قرآن پرداخته شده که برآمده از جهان‌شناسی منحصر به فرد اسلام هستند. می‌توان از این اصطلاحات به عنوان اصطلاحات ایدئولوژیک یا عقیدتی نیز نام برد.

۴-۱-۱-۱. غیب

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (البقره: ۳).

who believe in [the existence of] that which is beyond the reach of human perception, and are constant in prayer, ... (2:3).

^{۲۶}. دسته‌بندی اصطلاحات به دو قسم اصطلاحات «جهان‌شناسی» و «احکام»، بر اساس کتاب «تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» صورت گرفته است (نقیسی، ۱۳۹۸ش، ۱۱۲).

محمد اسد غیب را به آنچه که فراتر از درک انسان است ترجمه می‌کند و توضیح می‌دهد؛ غیب معمولاً و به اشتباه به عنوان "unseen" (= نامرئی) ترجمه شده است. او می‌گوید غیب در قرآن به کار رفته است تا تمام بخش‌ها یا مراحل واقعیت را بیان کند که فراتر از حد ادراک بشر است^{۲۷} و بنابراین نمی‌توان آن را با مشاهده علمی یا حتی در دسته‌های پذیرفته شده تفکر نظری، اثبات یا رد کرد. او مسائلی همچون وجود خدا، هدف مشخصی که زیربنای جهان است، زندگی پس از مرگ، ماهیت واقعی زمان، وجود نیروهای معنوی و تعاملات آن‌ها را در زمره غیب می‌داند (Asad, 1980, 25). بر پایه الگوی ترجمه نیومارک، محمد اسد برای ترجمه این واژه از شیوه «معادل توصیفی»^{۲۸} استفاده کرده و به توصیف واژه پرداخته است.

۴-۱-۲. جن

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنِّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ
(الانعام: ۱۰۰).

And yet, some [people] have come to attribute to all manner of invisible beings a place side by side with God - although it is He who has created them [all]; ... (6:100).

جن از ماده «ج.ن.ن» در لغت به معنای پوشیده و پنهان از حواس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۰۳). این واژه ۲۲ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است، اما مترجم در ترجمه این موارد یکسان عمل نکرده است. با این توضیح که در ترجمه هر مورد به جای انتخاب یک واژه، به توضیح مفهوم آن پرداخته است. برای نمونه، در آیه ذکر شده واژه «جن» را با عبارت «All manner of invisible beings» (= همه انواع موجودات نامرئی) توضیح می‌دهد و به نوعی ترجمه‌ای از آن ارائه می‌کند. استعمال دیگر این واژه در آیه ۴۱ سوره سبأ^{۲۹} است که مترجم آن را با تعبیر «Forces concealed from their senses» (= نیروهای پنهان از حواس) توضیح داده است.

در موارد دیگر برای ترجمه واژه «جن» از تعبیری همچون «Invisible Beings» (۶:۱۱۲)، «Invisible» (۲۷:۱۶)، «Unseen Beings» (۴۶:۲۹)، «Invisible Forces» (۷۲:۶) بهره برده است و علت این تفاوت در گزینش و توضیح واژه را ناشی از آن می‌داند که واژه جن در قرآن چندین معنای متمایز دارد (Asad, 1980, 1324). همچنین، در یکی از چهار پیوست ترجمه خود به اصطلاح و مفهوم «جن» می‌پردازد و در این رابطه بیان می‌کند، متداول‌ترین چیزی که با آن مواجه می‌شویم، نیروها یا موجوداتی هستند که دقیقاً به این دلیل که وجود جسمانی ندارند فراتر از درک و حواس جسمانی ما هستند؛ معنایی که شامل «شیطان» و «نیروهای شیطانی» و نیز «ملائکه» و «نیروهای ملائکه» می‌شود، زیرا همگی «مخفی از حواس ما» هستند (همان).

27. Which is beyond the reach of human perception.

28. Descriptive Equivalent.

29. قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرَهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ.

همچون نمونه پیشین، مترجم در اینجا نیز از شیوه معادل توصیفی بهره گرفته و چنان که گذشت، عملکرد محمد اسد در همه موارد یکسان نبوده و همان گونه که توضیح می دهد، این واژه کاربردهای متفاوتی دارد. بر این اساس، شیوه متفاوتی برای ترجمه کاربردهای مختلف این واژه اتخاذ کرده است.

۴-۱-۱-۳. ضلالت

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا (مریم: ۷۵).

Say: "As for him who lives in error, may the Most Gracious lengthen the span of his life (19:75).

«ضلالت» در زبان عربی و ادبیات قرآن به معنای «عدول و انحراف از راه مستقیم» و در مقابل هدایت به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق. ۳۹۰/۱۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق. ۵۱۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ ش. ۳۸/۷). از سوی دیگر، واژه «Error» در زبان انگلیسی چنین ترجمه شده است: «اشتباه، خصوصاً اشتباهی که باعث ایجاد مشکل شود یا نتیجه چیزی را تحت تأثیر قرار دهد»^{۳۰} (Oxford Advanced Learner's Dictionary). محمد اسد ضلالت را به «in error» ترجمه کرده است، در حالی که به معنای «در اشتباه بودن» است. محمد اسد برای ترجمه ضلالت در سرتاسر قرآن یکسان عمل نکرده و از تعابیر گوناگونی بهره برده است. برای نمونه، او در سوره فاتحه اسم فاعل «الضَّالِّينَ» که از همین ریشه است را با «Astray» و واژه «ضلال» در آیه ۸ سوره یوسف را با «Aberration» بیان کرده است.

بر پایه این توضیحات می توان گفت مترجم کوشیده تا با بهره گیری از روش معادل فرهنگی^{۳۱} به ترجمه این واژه اقدام کند، اما معادل فرهنگی انتخاب شده معنای متن مبدأ را به خوبی منعکس نمی کند.

۴-۱-۲. احکام

دسته دیگر از اصطلاحات دینی که در قرآن وارد شده، ناظر به احکام و مناسک اسلامی هستند که ممکن است در زبان مقصد معادل نداشته باشند و همین امر ترجمه این اصطلاحات را با چالش روبه رو می کند.

۴-۲-۱-۱. زکات

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (البقره: ۴۳).

and be constant in prayer, and spend in charity, and bow down in prayer with all who thus bow down. (2:43).

³⁰. A mistake specially one that causes problems or affects the result of something.

³¹. Cultural Equivalent یک ترجمه تقریبی است که در آن یک کلمه فرهنگی از متن مبدأ به وسیله کلمه فرهنگی متن مقصد ترجمه می شود (Newmark, 1988, 82-83).

برای واژه «زکات» در لغت معانی متعددی از قبیل پاک شدن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۳۹۴/۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱۷/۳)، زیادشدن، رشد کردن (همان؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۵۸/۱۴)، اصلاح، مدح و ستایش کردن (همان)، برکت یافتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۸۰) و برگزیده چیزی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۵۸/۱۴؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۴۹۴/۱۹) ذکر شده است.^{۳۲} در اصطلاح نیز زکات را چنین گفته‌اند: «حق واجبی که با شرایطی از اموالی مخصوص خارج و به گروهی معین داده می‌شود» (حلی، ۱۴۱۹ق، ۲۹۷/۲).

مطابق الگوی نیومارک اسد با بهره‌گیری از شیوه معادل توصیفی، زکات را صرف [مال] در امور خیرخواهانه ترجمه کرده است^{۳۳} و معتقد است در قانون اسلامی، زکات، مالیات واجب را بر عهده مسلمانان می‌گذارد. این امر به معنای پاک کردن سرمایه و درآمد شخص از رنگ خودخواهی است و درآمد این مالیات عمدتاً و نه منحصراً برای فقرا هزینه می‌شود (Asad, 1980, 35).

او به مخاطب آیه توجه دارد و مخاطب این آیه را بنی اسرائیل می‌داند و بیان می‌کند بدیهی است که آیه فقط اعمال خیرخواهانه نسبت به فقرا را نشان می‌دهد، مناسب‌تر است که آن را به عنوان "صدقه"^{۳۴} یا "خیرات"^{۳۵} ترجمه کنیم. همچنین، او در همه موارد پذیرفته است که اصطلاح زکات، گرچه مربوط به مسلمانان است، اما به طور خاص در مورد مالیات واجب اعمال نمی‌شود و برای نمونه به آیه ۲۰ سوره مزمل،^{۳۶} اولین جایی که این اصطلاح در قرآن آمده است اشاره می‌کند (همان).

محمد اسد در کاربردهای دیگر زکات، معادل‌های مختلفی را برگزیده است. برای نمونه؛ زکات در آیه «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» (البقره: ۱۱۰) را به «پرداخت حقی (واجبی) پاک کننده»؛^{۳۷} در آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (البقره: ۲۷۷) را به «بخشیدن صدقه»،^{۳۸} در آیه «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (الحج: ۴۱) را به «پرداخت صدقه»^{۳۹} ترجمه کرده است.

به نظر می‌رسد محمد اسد توجه چندانی به نقش زمان در تعیین معنای کلمه زکات نداشته است. زکات در آیات مکی به معنای انفاق و در آیات مدنی به معنای زکات اصطلاحی فقه است، زیرا زکات امری حکومتی است و چنانچه حکومت نباشد اجرا نمی‌شود و پیامبر (ص) در مکه حکومت تشکیل

^{۳۲} درباره ماده واژه زکات میان لغت‌شناسان اتفاق نظر وجود ندارد. چنان که اصل و ماده آن را «ز.ک.و» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۳۹۴/۵؛ ابن عباد، ۱۴۱۴ق، ۳۰۰/۶) یا «ز.ک.ی» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱۷/۳) یا «ز.ک.ا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۵۸/۱۴) دانسته‌اند.

^{۳۳} Spend in charity.

^{۳۴} Almsgiving.

^{۳۵} Charity.

^{۳۶} وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا.

^{۳۷} Render the purifying dues.

^{۳۸} Dispense charity.

^{۳۹} Give in charity.

نداده بودند و از کسی زکات نمی گرفتند. از این گذشته، مشرک اصول دین را نپذیرفته است تا چه رسد به زکات که از فروع دین است (فائز، ۱۳۹۸ ش، ۳۸).

۴-۲-۱-۲. نُصَب

وَمَا أَكَلِ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ (المائدة: ۳).

Save that which you [yourselves] may have slaughtered while it was still alive; and [forbidden to you is] all that has been slaughtered on idolatrous altars (5:3).

از جمله مواردی که مترجم به جای معادل گزینی به شرح و توضیح اصطلاح پرداخته است، می توان به «النُّصُب» اشاره نمود. لغت شناسان «نُصَب» را به «بیماری»، «بلا»، «شر» (ازدی، ۱۳۸۷ ش، ۱۲۵۶/۳)، «هر چیزی که غیر از خدا عبادت شود» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۷۵۸/۱؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ۴۳۵/۲)، «علامت و نشان» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۷۵۸/۱؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ۴۳۵/۲) و «سنگی که نصب می شد، مورد پرستش قرار می گرفت و خون قربانی ها بر آن ریخته می شد» (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۱۳۶/۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۴۳۴/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۸۰۷) معنا کرده اند.

محمد اسد توضیحاتی پیرامون واژه و پیشینه آن ارائه می دهد و از این رهگذر به تقریب معنای اصطلاح به مخاطب غیر عرب زبان کمک می کند. وی نُصَب (مفردش نصیبه) را سنگ های مذبحی می داند که در زمان های پیش از اسلام در اطراف کعبه نصب شده بودند و مشرکان قریش بر روی آن حیوانات را برای بت های خود قربانی می کردند (Asad, 1980, 207). بر این اساس، مترجم شیوه معادل توصیفی را برای ترجمه این واژه برگزیده است.

محمد اسد به داستان زید بن عمرو بن نفیل (بخاری) اشاره می کند و می گوید: «چنین به نظر می رسد که نه تنها حیوانات قربانی شده، بلکه مواردی که برای مصرف همگانی در نظر گرفته شده است، اغلب به خاطر یک "برکت" در آنجا ذبح می شده اند» (همان). به اعتقاد وی این اصطلاح بیانگر ارتباط با همه شیوه هایی است که می توان آن را "بت پرستانه" توصیف کرد و نباید صرفاً در معنای واقعی آن استفاده شود (همان).

۴-۲-۱-۳. جزیه

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (التوبة: ۲۹).

... and do not follow the religion of truth [which God has enjoined upon them] till they [agree to] pay the exemption tax with a willing hand, after having been humbled [in war] (9:29).

جزیه از ریشه «ج.ز.ی» مشتق شده و در معنای «مالیات» و «مالی که از اهل ذمه گرفته می‌شود» به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱۶۴/۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۷۸/۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ۸۳/۲). محمد اسد به شیوه معادل توصیفی، جزیه را به «Exemption Tax» (= مالیات معافیت) ترجمه کرده است و در پی‌نوشتی نسبتاً طولانی به توضیح این اصطلاح می‌پردازد؛ توضیحاتی که در واقع تفاوت میان فرهنگ زبان مبدأ و مقصد را مشخص می‌کنند (Newmark, 1988, 91). آن‌گونه که محمد اسد می‌نویسد، اصطلاح جزیه تنها یک‌بار در قرآن کریم به کار رفته است، اما معنی و هدف آن در بسیاری از روایات معتبر به طور کامل توضیح داده شده است. او معتقد است این مفهوم با مفهوم دولت اسلامی به عنوان یک سازمان ایدئولوژیک گره خورده است، البته اگر هدف این مالیات قابل درک باشد (Asad, 1980, 362).

چنانچه او می‌نویسد، در دولت اسلامی، هر مسلمان دارای جسم توانا موظف است هر زمان که آزادی ایمان وی یا امنیت سیاسی جامعه‌اش به خطر افتد، در جهاد (یعنی در یک جنگ عادلانه در راه خدا) اسلحه [به دست] بگیرد. محمد اسد در ادامه توضیحاتش ذیل اصطلاح جزیه بیان می‌کند از آنجا که این در درجه اول یک تعهد شرعی است، نمی‌توان انتظار داشت که شهروندان غیرمسلمان، که پیرو ایدئولوژی اسلام نیستند، بار مشابهی را بر عهده بگیرند. از طرف دیگر، باید از همه حقوق شهروندی و آزادی مذهبی‌شان کاملاً حمایت شود و برای جبران این توزیع نابرابر بار مسئولیت‌های مدنی به جامعه مسلمانان، مالیات ویژه‌ای از شهروندان غیرمسلمان گرفته می‌شود (همان).

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت محمد اسد همواره در ترجمه خود سعی بر یافتن معادل مناسب یا همان معادل فرهنگی برای همه اصطلاحات داشته و تا حد زیادی در این امر موفق بوده است. او در مواردی که از یافتن معادل عاجز مانده، از روش معادل توصیفی استفاده کرده و به توضیح و تبیین اصطلاحات اقدام کرده است. وی علاوه بر توضیحاتی که در متن اصلی ارائه می‌کند، بعضاً برای فهم و شناخت بیشتر، توضیحاتی را در حاشیه ارائه می‌دهد.

۲-۴. مشترک لفظی

در بحث از نقد ترجمه، نیومارک به مسئله ابهام می‌پردازد و آن‌را به صورت «یک کلمه یا ساختار نحوی که در بافت یا جدای از بافت، ظاهراً بیش از یک معنا دارد» تعریف می‌کند (Newmark, 1988, 218). او در ادامه ضمن توضیح انواع ابهام یعنی؛ ابهام دستوری، ابهام واژگانی، ابهام عملکردی، ابهام فرهنگی، ابهام در لهجه، ابهام در ارجاع و ابهام استعاری، برای ترجمه هر نوع، راهکاری ارائه می‌کند (همان، ۲۱۸-۲۲۰).

مسئله ابهام در نگاه نیومارک می‌تواند چند معنایی را نیز شامل شود. برای چند معنایی و وجوه مختلفی قابل تصور است که از جمله آن می‌توان به مشترک لفظی اشاره نمود. مقصود از مشترک لفظی آن است که یک واژه دارای معانی متعدد باشد (المظفر، ۱۳۷۳، ۳۸/۱). به بیان دیگر،

مشترک لفظی از باب اتفاق لفظ و اختلاف در معناست. می‌توان از مشترک لفظی با عنوان هم‌آوا-هم‌نویسه نیز یاد کرد؛ یعنی واژگانی که از نظر تلفظ و نوشتار یکسان هستند، اما معنای متفاوتی دارند (صفوی، ۱۳۹۳ش، ۱۱۰-۱۱۷). البته باید در نظر داشت در مشترک لفظی بین معانی متعدد یک لفظ، هیچ ارتباط معنایی وجود ندارد (Palmer, 1976, 67-68). در اینجا به مواردی از اشتراک لفظی اشاره خواهیم نمود.

۴-۲-۱. الجَمَل

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ (الاعراف: ۴۰).

... and they shall not enter paradise any more than a twisted rope can pass through a needle's eye: for thus do We requite such as are lost in sin (7:40).

جمل از جمله واژگانی است که چند معنا دارد. معنای مشهور آن شتر است و معنای غیرمشهور آن طنابی است که به وسیله آن کشتی را مهار می‌کرده‌اند و یا با آن از نخل بالا می‌رفته‌اند. محمد اسد در مورد واژه جمل که در این آیه وجود دارد، با قطعیت اعلام می‌کند ترجمه آن به «شتر» با توجه به سیاق و بافت اشتباه است و برای این کلام خود به زمخشری استناد می‌کند که به نقل از ابن عباس گفته است: «خداوند استعاره‌ای نامناسب به عنوان "شتری که از سوراخ سوزنی عبور می‌کند" ابداع نکرده است» - به این معنی که هیچ رابطه‌ای بین شتر و سوراخ سوزن وجود ندارد در حالی که، سوراخ سوزن رابطه مشخصی با طناب دارد. او همچنین به قرائت ابن عباس اشاره می‌کند که این کلمه را به صورت «جَمَل» خوانده، که به معنای «طناب ضخیم» یا «طناب تابیده» است.^{۴۰} علاوه بر این، به نقل از تاج العروس همین قرائت را به امام علی (ع) نسبت می‌دهد. در ادامه به گونه‌های متفاوت املائی کلمه «جمل» اشاره می‌کند و همه آن‌ها را در بردارنده معنای «طناب ضخیم و تابیده» می‌داند که توسط برخی از صحابه و تابعین مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Asad, 1980, 292).

تعبیر «جمل» تا حدودی مشابه در نسخه یونانی انجیل‌های هم‌نوا وجود دارد^{۴۱} و در همین راستا محمد اسد بیان می‌کند باید به خاطر داشت که اناجیل در اصل به زبان آرامی بوده‌اند و این متون آرامی اکنون از بین رفته‌اند. در ادامه می‌افزاید به احتمال زیاد، به دلیل نبودن علامت‌های صدادار در واژه‌های آرامی، مترجم یونانی املائی g-m-l را اشتباه برداشت کرده و آن‌را به معنای «شتر» گرفته

^{۴۰}. شواهد دیگری نیز برای این قول وجود دارد: ابن عباد، ۱۴۱۴ق، ۱۲۲/۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴۸۱/۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۵۱۵/۱؛ نیشابوری، ۱۴۱۰ق، ۳۹۵/۱.

^{۴۱}. باز هم می‌گوییم، گذشتن شتر از سوراخ سوزن از وارد شدن ثروتمند به ملکوت خدا آسان‌تر است (انجیل متی، ۱۹:۲۴)؛ همچنین بنگرید به: انجیل لوقا، ۱۸:۲۵ و انجیل مرقس، ۱۰:۲۵.

است، اشتباهی که بسیاری از مسلمانان و همهٔ خاورشناسان غیرمسلمان آن را تکرار کرده‌اند (همان، ۲۹۳).

بر پایهٔ الگوی نیومارک، مشترک لفظی یا به تعبیر دیگر ابهام در این آیه را می‌توان از نوع ابهام واژگانی دانست که نیومارک آن را نسبت به ابهامات دستوری رایج‌تر و سخت‌تر می‌داند. همچنین، می‌توان آن را از نوع ابهام استعاری به شمار آورد که توصیهٔ نیومارک برای ترجمهٔ این نوع از ابهام آن است که محتمل‌ترین معنی ترجمه شود و در صورتی که معنای دوم - کمتر محتمل - اهمیت دارد، در پاورقی قرار گیرد (Newmark, 1988, 219-220). این همان روشی است که محمد اسد برگزیده است.

۴-۲-۲. التَّجْمُ

وَالتَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (الرحمن: ۶)

[before Him] prostrate themselves the stars and the trees (55:6)

سیوطی در نوع پنجاه و هشتم الاتقان، آنجا که به توضیح بدایع لفظی و آرایهٔ ابهام در قرآن کریم می‌پردازد، بیان می‌کند واژه «التَّجْمُ» در آیهٔ مذکور علاوه بر آنکه به طور مطلق برای «ستاره» به کار می‌رود، معنای دوم و بعید «بوته» را نیز در دل خود جای داده است و مقصود آیه نیز همین معنای دوم، بوته، است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۵۳).

بی‌توجهی محمد اسد به این نکته که «التَّجْمُ» محتمل دو معناست، سبب شده است که این واژه را «Star» (= ستاره) ترجمه کند و چنانچه به همنشین «التَّجْمُ» یعنی واژه «الشَّجَرُ» نظر داشت، در ترجمه‌اش معنای اولیه را برای این واژه برنمی‌گزید. نیومارک نیز توجه به بافت را گوشزد کرده و یک اشتباه رایج در ترجمه را نادیده گرفتن زمینه و بافت می‌داند و بیان می‌کند یک اشتباه غیر معمول این است که زمینه و بافت را بهانه‌ای برای ترجمهٔ نادرست قرار دهیم. (Newmark, 1988, 194). در حالی است که مترجمان دیگر به معنای ثانویهٔ واژه «التَّجْمُ» توجه داشته‌اند و در ترجمهٔ خود از تعابیری همچون «Herbs»^{۴۲} و «Shrubs»^{۴۳} استفاده کرده‌اند.

۴-۲-۳. خیر

واژه «خیر» و مشتقات آن ۱۵۶ مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است. برای این واژه در برخی از کتب وجوه و نظایر تا ۱۰ معنا برشمرده‌اند. از جملهٔ این معانی می‌توان به «مال»، «ایمان»، «اسلام»، «برتر»، «عافیت»، «پاداش»، «طعام»، «پیروزی در نبرد» (البلخی، ۱۴۲۷ق، ۵۷-۵۸)، «هدایت» و «قرآن» اشاره نمود (عسکری، ۲۰۰۷م، ۲۱۲-۲۱۳) که این معانی با توجه به سیاق متفاوت است.

⁴². And the herbs and the trees ... (Yusuf Ali, n.d, 55:6); And the herbs and the trees ... (Shakir, 1982, 55:6); The herbs and the trees ... (Saffarzadeh, n.d, 55:6).

⁴³. hrubs and trees ... (Irving, 1985, 55:6).

محمد اسد در مواردی به چند معنایی واژه «خیر» توجه دارد، اگر چه در مواردی معادل نامناسبی برای آن ارائه می‌کند. برای نمونه محمد اسد واژه خیر در آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (البقره: ۱۸۰) را «much wealth» (= مال زیاد) ترجمه کرده است، اما وی واژه «خیر» در آیه «فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» را به «good» (القصاص: ۲۴) ترجمه کرده است، در حالی که به زعم بسیاری از مفسران و لغت‌شناسان به معنای «طعام» است.^{۴۴}

۴-۳. استعاره

قرآن کریم برای بیان مقاصد خود از آرایه‌های ادبی و زیبایی‌های بلاغی استفاده کرده است. از جمله شیوه‌های بیانی رایج در قرآن کریم استعاره است که به منظور آشکارسازی و تبیین اهداف و مقاصد کلام از آن استفاده شده است. پیرامون ترجمه‌پذیری استعاره، دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متضادی وجود دارد. صاحب‌نظرانی چون پیتر نیومارک و داگوت،^{۴۵} ترجمه استعاره را دشوارترین بخش ترجمه متن می‌دانند و بر همین اساس، در ترجمه استعاره روش‌های گوناگونی را در پیش گرفته‌اند. برخی استعاره را به استعاره ترجمه کرده‌اند؛ عده‌ای در ترجمه استعاره به بیان معنای آن اکتفاء کرده‌اند و گروهی نیز ضمن ترجمه استعاره به استعاره، با بهره‌گیری از افزوده‌های توضیحی به شرح آن پرداخته‌اند و در پی بیان مقصود متن اصلی برآمده‌اند.

نیومارک در الگوی ترجمه خود، استعاره را به شش نوع تقسیم می‌کند و میان آن‌ها تمایز قائل می‌شود. انواع استعاره در تقسیم‌بندی نیومارک عبارتند از: استعاره مرده، استعاره کلیشه‌ای، استعاره معیار یا متداول، استعاره اقتباسی، استعاره جدید و استعاره ابتکاری (Newmark, 1988, 106). نیومارک استعاره در متون مقدس را از نوع اقتباسی می‌داند و معتقد است باید در صورت امکان با یک استعاره اقتباسی معادل ترجمه شود (همان، ۱۱۱). او همچنین بیان می‌کند، مشکل خاص متون «مقدس» این است که مترجم می‌داند آن‌ها نویسنده به خصوص ندارند، بنابراین وسوسه می‌شود، هوشمندانه‌تر از متن اصلی آن‌ها را ترجمه کند (همان).

نیومارک برای ترجمه استعاره هفت روش را ارائه می‌کند (همان، ۱۰۷):

(الف) باز تولید استعاره در زبان مقصد (ترجمه تحت‌اللفظی استعاره)؛

(ب) جایگزین کردن استعاره زبان مبدأ با استعاره‌ای از زبان مقصد که دارای همان مفهوم است؛

(ج) ترجمه استعاره زبان مبدأ به تشبیه در زبان مقصد؛

(د) حفظ استعاره زبان مبدأ و ترجمه آن به همراه توضیح؛

(ه) ترجمه مفهومی استعاره و توضیح آن؛

^{۴۴} همچنین بنگرید به: «ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۲۴۴/۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۵۸۹/۲۴؛ محلی، ۱۴۱۶ق، ۳۹۱، طبرانی، ۲۰۰۸م، ۵۹/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۸۶/۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ۱۲۱/۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۲۶۱/۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲۵/۱۶».

^{۴۵} Menachem Dagut.

و) حذف استعاره و ساختار آن به طور کامل؛

ز) به کارگیری استعاره معادل به همراه شرح و توضیح آن.

در این بخش از پژوهش، بر آن هستیم که شیوه و عملکرد محمد اسد در ترجمه استعاره را در پرتو آنچه نیومارک درباره ترجمه استعاره بیان کرده است، مورد بررسی قرار دهیم.

۴-۳-۱. خفض جناح

وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَانِي صَغِيرًا (الاسراء: ۲۴).

And spread over them humbly the wings of thy tenderness, and ...
(17:24).

«خَفِضْ» به معنای «بایین آوردن» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۸۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱۷۸/۴) و «جَنَاح» به معنای «بال پرده» است که خداوند آن را به صورت استعاره به کار برده است و بدین معناست که برای پدر و مادرت بال تواضع و رحمت بگستر و فرو بگذار (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۰۶-۲۰۷). مترجم آیه را به صورت تحت اللفظی ترجمه نموده است و در توضیح ترجمه خود بیان می‌کند که این یک عبارت کنایی و بیانگر پرده‌ای است که از روی محبت، بال‌های خود را بر روی فرزندان در لانه می‌گستراند (Asad, 1980, 579).

بر اساس الگوی نیومارک (حفظ استعاره زبان مبدأ و ترجمه آن به همراه توضیح)، در این مورد مترجم ضمن ترجمه استعاره به استعاره‌ای در زبان مقصد، با بهره‌گیری از افزوده‌های توضیحی به شرح آن پرداخته است. نکته قابل توجه اینکه مترجم برای ترجمه «الذَّلِّ» که در زبان مبدأ به لحاظ ساختاری اسم است، از ساختار قیدی «Humbly» استفاده کرده است.

۴-۳-۲. لباس گرسنگی و ترس

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَزِيَّةً كَانَتْ أَمِيَّةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَّرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (النحل: ۱۱۲).

(...) and therefore God caused it to taste the all-embracing misery of hunger and fear in result of all [the evil] that its people had so persistently wrought (16:112).

در این آیه واژه «لباس» به عنوان استعاره برای گرسنگی و ترس به کار رفته است. مطابق آنچه نیومارک برای ترجمه استعاره پیشنهاد می‌کند (ترجمه مفهومی استعاره و توضیح آن)، مترجم مفهوم آیه را به صورت «خداوند سبب شد تا بدبختی همه جانبه گرسنگی و ترس را بچشند» بیان کرده و در حاشیه به توضیح این استعاره پرداخته است. محمد اسد معتقد است «لباس» در عربی کلاسیک برای توصیف حداکثری میزان بدبختی استفاده می‌شود که «انسان را مانند یک لباس می‌پوشاند». او همچنین بیان می‌کند، این مثل برای نشان دادن این است که ناسپاسی آگاهانه از نعمت‌های گوناگونی که خداوند

به انسان عطا می‌کند، در طولانی مدت و در روند زندگی اجتماعی عواقب فاجعه باری نه تنها در آخرت بلکه در این دنیا نیز در پی خواهد داشت (Asad, 1980, 569).

۴-۳-۳. بشارت به عذاب

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (الانشقاق: ۲۴).

Hence, give them the tiding of grievous suffering [in the life to come] (84:24).

به خبر مسرت‌بخش، بشارت یا بشری گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱۲۵) و در این آیه لفظ بشارت که خبر خوش است، برای انذار که ضد آن است، استعاره شده و انذار به شیوه تهکم و استهزاء در جنس بشارت آمده است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۲۹۸/۵؛ ابن جزی، ۱۴۱۶ق، ۴۶۶/۲؛ کاشانی، بی‌تا، ۱۹۶/۱۰). مترجم در ترجمه این آیه از همان صورت زبان مبدأ بهره برده و ترجمه‌ای تحت‌اللفظی ارائه کرده است و بر خلاف موارد قبل توضیحی پیرامون این استعاره اظهار نمی‌کند. این شیوه مترجم در ترجمه استعاره همان است که نیومارک در روش‌های پیشنهادی برای ترجمه استعاره از آن به «باز تولید استعاره در زبان مقصد» یاد کرده است. محمد اسد برای بیان مفهوم بشارت واژه «Tiding» را برگزیده که واژه‌ای کهن است و در معنای خبر خوش و مزده به کار می‌رود.

نتایج

به دنبال ارزیابی میزان وفاداری ترجمه پیام قرآن به متن اصلی در حوزه واژگان و استعارات، با استفاده از الگوی نقد ترجمه نیومارک نتایج زیر به دست آمد:

۱. افزوده‌ها و توضیحات مترجم با متن ترجمه آمیخته نشده و در مواردی که نیاز به افزوده یا توضیحی بوده، مترجم به منظور فهم و شناخت بیشتر، آن‌ها را در حاشیه (جمعاً ۵۳۷۱ حاشیه) بیان کرده است.
۲. برخورد مترجم با واژگان فرهنگی که آن‌ها را به دو دسته جهان‌شناسی و احکام تقسیم کردیم، متکی بر یکی از روش‌های معادل توصیفی یا معادل فرهنگی بوده، به نحوی که در معادل فرهنگی کوشیده برای واژه زبان مبدأ، واژه‌ای فرهنگی در زبان مقصد پیدا کند و در معادل توصیفی با توصیف واژه فرهنگی زبان مبدأ، آن‌را به زبان مقصد ترجمه کرده است.
۳. مشترک لفظی را می‌توان به عنوان بخشی از ابهام که در الگوی ترجمه نیومارک به آن اشاره شده، به شمار آورد. مترجم به طور معمول به چند معنایی و مشترک لفظی بودن برخی واژگان توجه دارد، اما در مواردی به علت غفلت از اشتراک لفظ و همچنین سیاق و بافت، ترجمه‌ای ارائه می‌دهد که پذیرفتنی نیست.

۴. شیوه مترجم در ترجمه استعاره یکسان نیست و از روش‌هایی مانند «حفظ استعاره زبان مبدأ و ترجمه آن به همراه توضیح»، «ترجمه مفهومی استعاره و توضیح آن» و «باز تولید استعاره در زبان مقصد» برای ترجمه استعاره استفاده کرده که همگی منطبق بر الگوی نقد ترجمه نیومارک هستند.

منابع

- قرآن کریم.
کتاب مقدس.
- ابن عباد، إسماعیل بن عباد؛ المحيط في اللغة؛ تحقیق محمدحسن آل یاسین؛ بیروت؛ عالم
الکتاب؛ ۱۴۱۴.
- ابن فارس، أحمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق محمد عبدالسلام هارون؛ قم؛ مکتب
الاعلام الاسلامی؛ ۱۴۰۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ تحقیق جمال الدین میردامادی؛ بیروت؛ دار الفکر
للطباعة و النشر والتوزيع - دار صادر؛ ۱۴۱۴.
- أزدي، عبدالله بن محمد؛ کتاب الماء؛ تحقیق محمد مهدی اصفهانی؛ تهران؛ مؤسسه مطالعات
تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل - دانشگاه علوم پزشکی ایران؛ ۱۳۸۷.
- اسکندرلو، محمدجواد؛ مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن (پژوهشی در تاریخ گذاری قرآن از منظر
خاور شناسان)؛ قم؛ پژوهش های تفسیر و علوم قرآن؛ ۱۳۸۵.
- البخی، مقاتل بن سلیمان؛ الوجوه والنظائر في القرآن العظيم؛ تحقیق حاتم صالح الضامن؛ دبی؛
مركز جمعة الماجد للثقافة والتراث؛ ۱۴۲۷.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ البرهان في تفسير القرآن؛ تحقیق بنیاد بعثت؛ قم؛ مؤسسة البعثة -
قسم الدراسات الإسلامية؛ ۱۴۱۵.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزیل وأسرار التأویل؛ بیروت؛ دار إحياء التراث العربي؛ ۱۴۱۸.
- ثعلبی، احمد بن محمد؛ الكشف والبيان؛ تحقیق ابی محمد ابن عاشور؛ تصحیح نظیر ساعدی؛
بیروت؛ دار إحياء التراث العربي؛ ۱۴۲۲.
- جواهری، محمدحسن؛ «پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم»؛ مجله پژوهش های قرآنی؛ شماره
۴۲. صص. ۱۳۶-۱۵۹؛ ۱۳۸۴.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تحقیق علی هلالی؛ علی سیری؛
بیروت؛ دار الفکر؛ ۱۴۱۴.
- حلی، حسن بن یوسف؛ نهاية الأحكام في معرفة الأحكام؛ قم؛ مؤسسة آل البيت؛ ۱۴۱۹.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین؛ تصحیح هاشم رسولی؛ قم؛ اسماعیلیان؛ ۱۴۱۵.
- خزاعی فرید، علی؛ «نقد ترجمه در ایران، روش ها و آسیب ها»؛ مجله نامه فرهنگستان؛ شماره ۳؛
صص. ۷۱-۹۳؛ ۱۳۹۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات أَلْفَاظِ الْقُرْآن؛ تحقیق صفوان عدنان داوودی؛ بیروت؛
دار الشامیة؛ ۱۴۱۲.

- رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن؛ تهران؛ انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۸۴.
- سمرقندی، نصر بن محمد؛ تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم؛ تحقیق عمر عمروی؛ بیروت؛ دار الفکر؛ ۱۴۱۶.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ الإیتقان فی علوم القرآن؛ تحقیق فواز احمد زمرلی؛ بیروت؛ دار الكتاب العربی؛ ۱۴۲۱.
- صغیر، محمد حسین علی؛ المستشرقون والدراسات القرآنیة؛ بیروت؛ دار المؤرخ العربی؛ ۱۴۲۰.
- صفوی، کوروش؛ درآمدی بر معنی شناسی؛ تهران؛ سوره مهر؛ ۱۳۹۳.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت؛ مؤسسة الأعلمی للمطبوعات؛ ۱۳۹۰.
- طبرانی، سلیمان بن احمد؛ التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردب؛ دار الكتاب الثقافی؛ ۲۰۰۸.
- طریحی، فخرالدین بن محمد؛ مجمع البحرین؛ تحقیق احمد حسینی اشکوری؛ تهران؛ مرتضوی؛ ۱۳۷۵.
- عسکری، ابی هلال؛ الوجوه والنظائر؛ تحقیق محمد عثمان؛ قاهره؛ مكتبة الثقافة الدينية؛ ۲۰۰۷.
- فانز، قاسم؛ واژه‌شناسی قرآن کریم؛ تهران؛ نشر آکادمیک؛ ۱۳۹۸.
- فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ بیروت؛ دار إحياء التراث العربی؛ ۱۴۲۰.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد؛ کتاب العین؛ قم؛ نشر هجرت؛ ۱۴۰۹.
- محلّی، محمد بن احمد؛ تفسیر الجلالین؛ تحقیق سیوطی؛ بیروت؛ مؤسسة النور للمطبوعات؛ ۱۴۱۶.
- مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۶۸.
- المظفر، محمدرضا؛ اصول الفقه؛ قم؛ مکتب الاعلام الاسلامی - مرکز النشر؛ ۱۳۷۳.
- نقیسی، شادی؛ تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب؛ قم؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۳۹۸.
- نیشابوری؛ محمود بن ابوالحسن؛ وضع البرهان فی مشکلات القرآن؛ بیروت؛ دار القلم؛ ۱۴۱۰.
- Asad, Muhammad; Islam at the Crossroads; Gibraltar; Dar AI-Andulus; n.d.
- ; The Message of the Qur'an; Gibraltar; Dar AI-Andulus; 1980.
- ; The Road to Makkah; New Delhi; Islamic Book Service; 1982.
- Irving, Thomas; The Qur'an (Translation); 1985.
- "Lviv", The Columbia Encyclopedia, 6th ed., Retrieved August 03, 2022, from Encyclopedia.com:https://www.encyclopedia.com/reference/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/lviv.
- Newmark, Peter; A Textbook of Translation; New York; Prentice Hall; 1988.

Palmer, Frank Robert; *Semantics: A New Outline*; Cambridge; Cambridge University Press; 1976.

Shakir, Muhammad Habib; *The Holy Qur'an (Translation)*; 1982.

Saffarzadeh, Tahereh; *The Holy Qur'an (Translation)*; n.d.

Yusuf Ali, Abdullah; *The Holy Qur'an (Translation)*; n.d.

Oxford Advanced Learner's Dictionary; *Error Definition*; n.d.